

بحثی درباره حدود پوشش در اسلام

تبرج، خودنمایی و پوشیدن لباس‌های تنگ و مدهای رنگارنگ است زن را به صورت موجودی مهمل و غیرفعال در می‌آورد که باید تمام وقتش را مصروف حفظ پوزیسیون خود کند.



خبرگزاری مهر-تبرج، خودنمایی و پوشیدن لباس‌های تنگ و مدهای رنگارنگ است زن را به صورت موجودی مهمل و غیرفعال در می‌آورد که باید تمام وقتش را مصروف حفظ پوزیسیون خود کند.

بررسی حدود پوششی که در اسلام بر زن واجب شده می‌تواند در تبیین موضوع حجاب راهگشا باشد. در اینکه پوشانیدن غیروجه و کفین بر زن واجب است، از لحاظ فقه اسلام هیچ گونه تردیدی وجود دارد. این قسمت جزء ضروریات و مسلمات است. نه از نظر قرآن و حدیث و نه از نظر فتاوی در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد. آنچه مورد بحث است پوشش چهره و دست‌ها تا میچ است.

مساله "وجوب پوشش" را که وظیفه زن است از مساله "حرمت نظر بر زن" که مربوط به مرد است باید تفکیک کرد. ممکن است کسی قایل شود به عدم وجوب پوشیدن وجه و کفین بر زن و در عین حال نظر بدهد به حرمت نظر از جانب مرد. نباید پنداشت که بین این دو مساله ملازمه است. همچنان که از لحاظ فقهی مسلم است که بر مرد واجب نیست سر خود را بیوشاند ولی این دلیل نمی‌شود که بر زن هم نگاه کردن به سر و بدن مرد جایز باشد.

بله، اگر در مساله نظر قائل به جواز شویم در مساله پوشش هم باید قائل به عدم وجود شویم، زیرا بسیار مستبدانه است که نظر مرد بر وجه و کفین زن جایز باشد ولی بر زن حرام باشد. در میان علما در گذشته کسی را نمی‌توان یافت که قائل به وجوب پوشیدن وجه و کفین باشد ولی هستند کسانی که نظر را حرام می‌دانند.

در مساله جواز نظر تردیدی نیست که اگر نظر از روی "تلذذ" یا "ریبه" باشد حرام است. "تلذذ" یعنی لذت بردن و نگاه از روی تلذذ یعنی نگاه به قصد لذت بردن باشد؛ و اما "ریبه" یعنی نظر به خاطر تلذذ و چشم چرانی نیست ولی خصوصیت ناظر و منظورالیه مجموعاً طوری است که خطرناک است و خوف هست که لغزشی به دنبال نگاه کردن به وجود آید.

این نوع دو نظر مطلقاً حرام است حتی در مورد محارم. تنها موردی که استثنا شده نظری است که مقدمه خواستگاری است که این مورد استثنائاً جایز است. البته شرطش این است که واقعاً هدف شخص ازدواج باشد یعنی مرد جداً به خاطر ازدواج بخواهد زن را ببیند و از لحاظ سایر خصوصیات مورد نظر زن را پسندیده باشد نه آنکه برای چشم چرانی قصد ازدواج را بهانه قرار دهد؛ قانون الهی مانند قانون‌های بشری نیست که بتوان با صورت سازی خیال خود را راحت کرد. در اینجا وجدان انسان حاکم است و خدای متعال هیچ چیز بر او پوشیده نیست. اما باید گفت در حقیقت استثنایی در کار نیست، زیرا آنچه قطعاً حرام است نگاه به قصد تلذذ است و آنچه مانعی ندارد این است که نگاه به قصد تلذذ نباشد ولی تلذذ قهراً پیدا شود.

فقها تصریح کرده‌اند که جایز نیست کسی به زن‌ها نگاه کند تا در بین آنها یکی را انتخاب کند. آنچه جایز است، در مورد یک زن خاص است که او معرفی شده است و درباره‌اش می‌اندیشد، از سایر جهات تردیدی ندارد. فقط از نظر چهره و اندام تردید دارد. می‌خواهد ببیند آیا می‌پسندد یا نه؟ برخی دیگر از فقها به صورت احتیاط مطلب را بیان کرده‌اند.

چهره و دو دست (وجه و کفین)

بعد از اینکه موارد قطعی پوشش را بیان شد نوبت می‌رسد به بحث درباره "پوشش وجه و کفین". مساله پوشش بر حسب اینکه پوشانیدن وجه و کفین واجب باشد یا نباشد دو فلسفه کاملاً متفاوت پیدا می‌کند. اگر پوشش وجه و کفین را لازم بدانیم در حقیقت طرفدار فلسفه پرده نشینی زن و ممنوعیت او از هر نوع کاری جز در محیط خاص خانه و یا محیط‌های صد درصد اختصاصی زنان هستیم. ولی اگر پوشیدن سایر بدن را لازم بدانیم و هر نوع عمل محرک و تهییج آمیز را حرام بشماریم و بر مردان نیز نظر از روی لذت و ریه را حرام بدانیم اما تنها پوشیدن گردی چهره و پوشیدن دست‌ها تا میچ را واجب ندانیم آن هم به شرط اینکه خالی از هر نوع آرایش جالب توجه و محرک و مهیج باشد بلکه ساده و عادی باشد، آن وقت مساله صورت دیگری پیدا می‌کند و طرفدار فلسفه دیگری هستیم و آن فلسفه این است که لزومی ندارد زن الزاماً به درون خانه رانده شود و پرده نشین باشد بلکه صرفاً باید این فلسفه رعایت گردد که هر نوع لذت جنسی اختصاص داشته باشد به محیط خانواده و قانون اجتماع باید پاک و منزّه باشد و هیچگونه کامجویی خواه بصری و خواه لمس خواه سمعی نباید در خارج از کادر همسری صورت بگیرد. بنابراین زن می‌تواند هر نوع کار از کارهای اجتماعی را عهده دار شود.

البته در اینجا چند نکته هست:

الف: ما فعلاً در این مقام نیستیم که آیا زن در درجه اول باید به وظایف خانوادگی عمل کند یا خیر؟ شک نیست که طرفدار این هستیم که وظیفه اول زن مادری و خانه سالاری است.

ب: خلوت با اجنبیه خالی از اشکال نیست. شاید عقیده اکثر فقها حرمت باشد. ما فعلاً نظر به آن نوع کار اجتماعی نداریم که مستلزم خلوت با اجنبیه است.

مقصود ما این است که اگر پوشیدن چهره و دو دست مخصوصاً چهره واجب باشد خود به خود شعاع فعالیت زن به اندرون خانه و اجتماعات خاص زنان محدود می‌شود ولی اگر پوشیدن گردی چهره‌ها واجب نباشد این محدودیت خود به خود لازم نمی‌آید. اگر احياناً محدودیتی پیدا شود از جهت خاص استثنایی خواهد بود.

به هر حال با لازم نبودن پوشیدن گردی چهره، حکم شرعی برخی از کارها از نظر حرمت یا جواز روشن می‌گردد. بسیاری از کارهاست که از نظر فقهی و شرعی اولاً و بالذات بر زن حرام نیست ولی اگر پوشش وجه و کفین را لازم بشماریم ثانیاً و بالعرض بر زن حرام است یعنی از آن جهت حرام است که مستلزم باز گذاشتن چهره و دو دست می‌شود بنابراین جواز و عدم جواز آن کارها برای زن بستگی بدین دارد که پوشش وجه و کفین واجب باشد یا نباشد.

اگر بگوییم پوشش وجه و کفین لازم نیست و مرد هم در صورتی که نظر ریه و تلذذ نداشته باشد می‌تواند به وجه و کفین نگاه کند، نتیجه این است که مانعی ندارد والا جایز نیست.

خلاصه اینکه وجه و کفین مرز محبوسیت و عم محبوسیت زن است و ایرادهایی که مخالفین پوشش می‌گیرند در صورتی است که حجاب وجه و کفین را لازم نداریم. ولی اگر پوشیدن وجه و کفین را واجب ندانیم در پوشش سایر قسمت‌های بدن هیچگونه اشکال تراشی نمی‌توان کرد، بلکه اشکال بر طرف دیگر وارد است.

اگر زن مرض نداشته باشد و نخواهد لخت بیرون بیاید، پوشیدن یک لباس ساده که تمام بدن و سر جز چهره و دو دست تا مچ را بپوشاند مانع هیچ فعالیت بیرونی نخواهد بود بلکه برعکس، تبرج و خودنمایی و پوشیدن لباس‌های تنگ و مدهای رنگارنگ است که زن را به صورت موجودی مهمل و غیرفعال در می‌آورد که باید تمام وقتش را مصروف حفظ پوزیسیون خود کند. استثنای وجه و کفین به منظور رفع حرج و امکان دادن به فعالیت زن است و به همین ملاک است که اسلام آن را واجب نشمرده است.